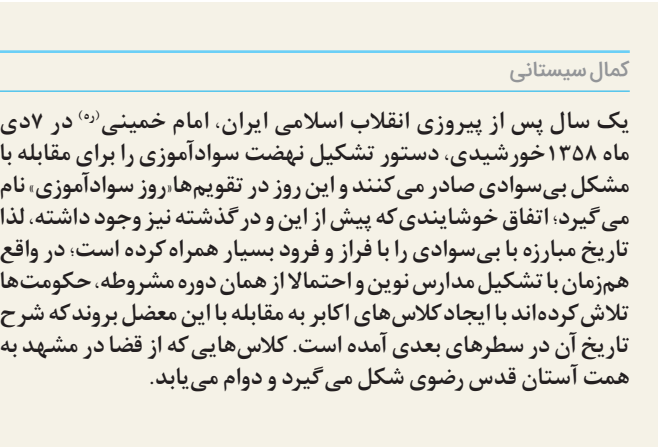


گذری بر تاریخ برگزاری نخستین کلاس‌های سوادآموزی در حرم مطهر رضوی به مناسبت این روز در ایران

درس خواندن زیر سایه امام رضا(ع)



کمال سیستانی

یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی ^(ع) در ۷دی ماه ۱۳۵۸ خورشیدی، دستور تشکیل نهضت سوادآموزی را برای مقابله با مشکل بی‌سوادی صادر می‌کنند و این روز در تقویم‌ها،روز سوادآموزی، نام می‌گیرد؛ اتفاق خوشایندی که پیش از این و در گذشته نیز وجود داشته، لذا تاریخ مبارزه با بی‌سوادی را با فراز و فرود بسیار همراه کرده است؛ در واقع هم‌زمان با تشکیل مدارس نوین و احتمالاً از همان دوره مشروطه، حکومت‌ها تلاش کرده‌اند با ایجاد کلاس‌های اکابر به مقابله با این معضل بپردازند که شرح تاریخ آن در سطرهای بعدی آمده است. کلاس‌هایی که از قضا در مشهد به همت آستان قدس رضوی شکل می‌گیرد و دوام می‌یابد.

● ۳قرن با مکتب‌خانه اطفال یتیم برابر اسناد، قدیمی‌ترین مکتب‌خانه‌ای که عمر دیرپایی (حدود ۳ قرن) نیز داشته، در مجاورت حرم مطهر امام‌رضا^(ع) سقف و ستون خورده که در آن به بچه‌های بی‌سرپرست درس می‌داده‌اند و از این رو به، مکتب‌خانه اطفال یتیم، معروف بوده است. در این مکتب‌خانه که به‌دستور شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ تا ۹۸۴ هجری قمری) دایر شده، چهل پسر و دختر یتیم زیر نظر معلمان مرد و زن شیعه مذهب و پرهیزگار تحصیل می‌کرده‌اند و هزینه‌های جاری آنان مانند پوشاک و غذا هم از محل موقوفات حرم مطهر رضوی و رایگان تأمین می‌شده است. همچنین در قدیمی‌ترین سند باقی‌مانده از این مکتب‌خانه که گویا اواخر دوره قاجار تعطیل شده، نام‌نخستین معلم این کلاس آموزشی را یارعلی نامی نوشته‌اند با حقوق دریافتی هشت هزار دینار در سال ۱۰۱۲ هجری قمری. پس از دوره قاجار اما ورق برمی‌گردد و آموزش نوین جای تلمذ کردن پیش ملاها و ملاجی‌ها، عم جزء خواندن و درد ترکه خوردن را می‌گیرد و بازار یکی از خاطره‌انگیزترین کلاس‌های درس در مشهد قدیم را از سکه می‌اندازد؛ ماجرا از این قرار است که سال ۱۳۰۵ خورشیدی، حکومت وقت مکتب‌خانه‌ها را به دلیل نداشتن امکانات اولیه بهداشتی (نبودت‌الت‌عمومی، شیوع شیش، بیماری تراخم یا کچلی و دیگر بیماری‌های رایج) و اصول نادرست تعلیم و تربیت تعطیل می‌کند و این موضوع ۱۰ سال بعد یعنی در ۱۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۵ به انحلال همیشگی مکتب‌خانه‌ها می‌انجامد. پس از این آستان قدس از محل درآمد موقوفات مربوط به مکتب‌خانه‌ها دبستانی شش کلاسه در محل باغ اصف‌الدوله برپا و اطفال مکتب‌خانه را به آنجا منتقل می‌کند.

● نخستین تلاش‌ها برای پاسواد شدن بزرگسالان ا مادر کنار مدارس و مکتب‌خانه‌هایی که ویژه اطفال بوده‌است، دولت‌های مختلف نسبت به موضوع بزرگ‌سال بی‌سواد که شمارشان بی‌اندازه بوده نیز بی‌تفاوت نبوده و تلاش می‌کرده‌اند. این مشکل را با ایجاد کلاس‌های اکابر حل‌کنند. با اینکه درباره تاریخ تشکیل نخستین کلاس اکابر اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما اسناد بیانگر این است که این‌جاهم آستان قدس برای این مهم در مشهد پیشگام بوده است. باید گفت باتوجه‌به بی‌شماری آماری سوادها، تشکیل کلاس‌های اکابر، نخستین تلاش برای سوادآموزی بزرگ‌سالان بوده‌است. این کلاس‌ها که به‌صورت شبانه در مدارس دولتی

تشکیل می‌شد، اقدامی بوده برای آموزش بزرگسالان بی‌سواد. کم‌سواد افرادی که‌از تحصیل جامانده بودند. در این میان جالب است بدانید با اینکه تصویب قانون تشکیل کلاس‌های اکابر به سال ۱۳۱۵ خورشیدی باز می‌گردد، اما آستان قدس رضوی خیلی پیش‌تر از تصویب این قانون و در سال ۱۳۰۶ خورشیدی تصمیم می‌گیرد با برگزاری کلاس‌های سوادآموزی ویژه بزرگ سالان در مدرسه شاهرضا به مبارزه با بی‌سوادی برخیزد. ماجرا از این قرار است که محمدولی اسدی پس از انتصاب به سمت نیابت تولیت آستان قدس، تصمیم می‌گیرد تا اصلاحاتی در ساختار و تشکیلات آستان قدس انجام دهد که ارتقای سطح سواد و سوادآموزی کارکنان، یکی از آن‌ها بوده و با توجه به اینکه بیشتر کارکنان آستان قدس سواد خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، لذا این کارکنان به سوادآموزی و شرکت در کلاس‌های اکابر ملزم می‌شوند.

این کلاس‌ها البته در ابتدا با هدف آموزش کارکنان آستان قدس شکل می‌گیرد، اما به تدریج گسترش یافته و اشخاص غیر شاغل در آستان قدس نیز می‌توانند در آن ثبت‌نام کنند. این موضوع را آستانه در اردیبهشت ۱۳۰۷ خورشیدی با انتشار اعلامی در روزنامه‌ها به اطلاع عموم می‌رساند و تأکید می‌کند ساعت برگزاری کلاس‌ها هر شب از اول شب تا سه ساعت از شب گذشته در دبستان شاهرضا واقع در چهارباغ است.

همچنین پیرامون امکان استفاده از این کلاس‌ها برای کارکنان ادارات دولتی و مؤسسات عمومی، ابلاغیه‌ها و بخشنامه‌هایی برای تمام رؤسای ادارات و دوایر دولتی شهر مشهد ارسال و آن‌ها در این باره اطلاع‌رسانی می‌شود، البته در یکی از همین ابلاغیه‌های برجای‌مانده شروطنی نیز ذکر شده که ثبت‌نام بدون دارا بودن آن‌ها انجام نمی‌شده است؛ داشتن سجل احوال، تصدیق سلامتی مزاج و نداشتن سوء سابقه و سوء رفتار از جمله این شروط بوده‌اند.

همچنین برابر آنچه از مطالعه سیاهه اسناد می‌توان فهمید، کلاس‌های شبانه اکابر مدرسه شاهرضا در دو قسمت ابتدایی و متوسطه تشکیل می‌شده است. مدت دوره تعلیمات اکابر هم در قسمت ابتدایی دوسال، به این شکل بوده که افرادی سوادمی‌یابست برنامه‌های کلاس‌های ۱ و ۲ دبستان را در کلاس اول اکابر و برنامه‌های کلاس‌های ۳ و ۴ دبستان را در کلاس دوم اکابر به پایان برسانند و در خاتمه پس از گذراندن این دو دوره در صورت قبولی در امتحان و موفقیت در تحصیل، گواهی نامه پایان تحصیلات اکابر اعطا می‌شده است. افراد قبول شده پس از این دوره هم در صورت تمایل می‌توانستند در قسمت متوسطه اکابر ثبت‌نام و با گذراندن دروس کلاس پنجم و ششم به تحصیلات خود ادامه دهند و مدرک ششم ابتدایی دریافت کنند. درجه تحصیلات محصلان کلاس‌های اکابر در قسمت متوسطه هم تا



دوره اول متوسطه (کلاس نهم) بوده است. ● نخستین خبر درباره برگزاری کلاس‌های اکابر در کنار آستان قدس رضوی هم البته افرادی بوده‌اند که دغدغه سوادآموزی دارند و تلاش می‌کنند با صرف وقت و هزینه، کلاس‌های اکابر را رواج و رونق دهند. نخستین این اخبار را هم می‌توان در سال ۱۳۲۷ هجری قمری در جریده بشارت خواند که مردم را از ایجاد دو کلاس اکابر مطلع می‌کند. در این خبر که مربوط به دوران مشروطه و زمان ریاست شجاع‌الایاله بر بلدیة مشهد است، چنین آمده‌است: «به تازگی در مشهد دو باب مدرسه اکابر تشکیل یافته است. ۱- مدرسه معارف در بالاخیابان، جنب مدرسه وقفی که تولیتش با آقای حاجی شیخ عبدالحسین مجتهد است که همه روزه از یک ساعت و نیم به غروب مانده تا یک ساعت و نیم در شب مفتوح و دایر است. ۲- مدرسه دانش در چهارباغ و در خانه آقا شیخ صالح زرگر…» همچنین شواهد تاریخی حاکی از آن است که در سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳ خورشیدی در مشهد، کلاس‌های اکابری نیز در مدرسه «دانش» و بلدی (بلدیة)، برگزار می‌شده است.



اسناد آستان قدس رضوی

نشستن روبه‌روی دری که دروازه دل‌ها بود

یادی از یک نمای قدیمی از حرم مطهر رضوی

کارگزاران آستان قدس بعد از انقلاب طرح‌های سابق را که در باره فلکه تنظیم و ترسیم‌شده بود کنار گذاشتند، زیرا در آن طرح اطراف فلکه به صورت تجاری در نظر گرفته شده بود و می‌خواستند در آنجا مسافرخانه، هتل و ساختمان‌های چند طبقه بسازند و در اختیار بازرگانان و صاحبان حرف و صنایع قرار دهند، اما طرح‌های ما تمرکز خود را روی ایجاد صحن‌ها و رواق‌های جدید گذاشت تا پیش از هر چیز، اول اسکان زائر و زیارت‌کنندگان را سامان دهیم.»



نمایی از حرم مطهر- دور فلکه حضرت- سال ۱۳۵۹ خورشیدی /منبع تصاویر: مرکز اسناد شهرداری مشهد



نگاهی به نقش محوری بارگاه امام رضا(ع) در مبارزات مردمی مشهد(ص۱۷)

حرم: پایگاه مردمی که نمی‌خواستند فروخته شوند

بیات

بررسی تاریخ معاصر نشان از آن دارد که مردم مشهد همواره حرم مطهر امام رضا^(ع) را کانون مبارزات خود علیه استبداد و استکبار قرار داده‌اند. آن‌ها در اعتراض به امتیازنامه رژی در جوار حرم و در مسجد گوهرشاد اجتماع می‌کنند، به دنبال حوادث دوران استبداد صغیر بار دیگر در حرم متحصن می‌شوند، در دوران رضاخان و واقعه گوهرشاد نیز، حرم مطهر امام رضا^(ع) همچنان محلی برای دادخواهی مردم محسوب می‌شود. در نهضت امام خمینی ^(ع) نیز مردم حرم مطهر امام رضا^(ع) را بهترین مکان برای مبارزه می‌دانند و در مواقع حساس نهضت به حرم پناه می‌برند و مبارزات خود را از این پایگاه و حول آن سامان می‌دهند. در چهار شماره متوالی برخی نمونه‌های تاریخی از این نقش آفرینی را بررسی کرده‌ایم که خواهید خواند.

در روز ۲۸ رجب ۱۳۰۸ هجری قمری امتیاز توتون و تنباکوی ایران از سوی ناصرالدین شاه به مدت پنجاه سال در اختیار تالیوت و شرکای او قرار می‌گیرد. امتیاز تنباکو، زیان‌بخش‌ترین امتیازی است که به بیگانه واگذار می‌شود؛ زیرا عمده‌ترین محصول تولیدی ایران است و این امتیاز با سرنوشت هزاران زارع و تاجر سروکار دارد و در واقع نظام معیشت هزاران خانواده به دست کمپانی انگلیسی داده می‌شود. دست‌اندرکاران این محصول ناگهان متوجه می‌شوند که در امر تولید کالای جدید هیچ اختیاری ندارند و همگی به بیگانه فروخته شده‌اند. پس از امضای قرارداد تا پنج ماه از کمپانی خبری نمی‌شود. طی این مدت، تالیوت مطابق بند نهم امتیازنامه، کلیه حقوق و امتیازات خود را به شرکت دیگری به نام رژی می‌فروشد و این شرکت، «هیئت شاهنشاهی دخانیات ایران» را تشکیل می‌دهد.

- بازتاب قرارداد در مشهد

کمپانی رژی، پانزده هزار کارمند ایرانی می‌گیرد و با حاج محمدحسن امین‌الضرب (بزرگ‌ترین ثروتمند ایرانی) رابطه برقرار می‌کند و از طریق او برای ولایات بزرگ هم وکلا و نمایندگان ایرانی برمی‌گزیند. در مشهد، حاج ابوالقاسم ملک‌التجار که پسر دوم آقا محمدحسن صراف اصفهانی و برادر کوچک امین‌الضرب است، کارکنان رده‌اول ایرانی رژی محسوب می‌شوند که از ۲۴ تا پنجاه تومان از شرکت، حقوق دریافت می‌کنند. ریاست شعبه رژی در مشهد هم با شخصی به نام دانیال است. حسن کربلایی مؤلف «تاریخ انحصار دخانیات» اوضاع خراسان را در سال ۱۳۰۹ ق. چنین تشریح کرده است: «به سرحد خراسان که از موقوفه آستان ثامن‌الامنه^(ع) است، بنای شهری به آن تفصیل گذاشتند و اسباب وآلات جنگ در آن نقطه به نحو اتم و کامل فراهم، مستأجر تنباکو راوداداشته که همه چیز بنای عظیمی به اسم محل تنباکودر نقطه باغ ایلخانی که مشرف بر تمام ارگ و شهر و دیگر نقاط این شهر است، بنماید. قریب به چهار ذرع عرض دیوار از گچ و آجر ساخته، مانند گشتی زره‌پوش توپ بر او گردش می‌کند. با این که برای او ممکن بود سرای خالی از اغیار امین‌الملک را اجاره نماید از کجا با اشاره دولت آن‌ها بناید شد. بلکه مظنون این است که تمام این مخارج گزاف از مالک مملکت آن‌هاست والا تاجر را چه کار به هفت کرور یا دوازده کرور مخارج اجاره‌داری که می‌تواند اصل مایه خود را از این قحطری اهلالی ایران دریافت سازد و از کجا می‌توان اطمینان تحقیر نمود که در بازارهای قماش و تنباکو و غیره توپ و تفنگ‌ها به این محل حمل نمایند که در مقام حاجت به کار روند.»

متعاقب امتیازنامه تنباکو، به نقل از کتاب «اندیشه دینی و جنبش ضد رژی در ایران» هزاران فرنگی هم به ایران وارد می‌شوند که بعضی از آن‌ها به تأسیس کلیسا اقدام می‌کنند. تحرکات وابستگان رژی در ایران، با فرهنگ دینی جامعه سنتی ایران منطبق نیست، از این‌رو روحانیون و مردم به این امتیازنامه واکنش نشان می‌دهند. این گونه است که مردم مشهد اول ربیع‌الاول ۱۳۰۹ دکان‌های خود را می‌بندند و سر به شورش برمی‌دارند. در نخستین ساعت‌های بعدازظهر، گروهی از طلاب مدرسه بالاسر و پایین پا که شمار آنان را ۴۰۰۵ نفر نوشته‌اند به طرف صاحبان دکان‌هایی که حاضر به بستن مغازه‌های خود نشده‌اند، حرکت می‌کنند تا این اشخاص را وادار به تعطیلی مغازه‌های خود کنند. طلاب مدارس و شیخ زین‌العابدین واعظ سبزواری، برادر مجتهد سبزواری و میرزا عبدالرحمن مدرس و سید محمد کلّالی پیش‌نماز و دسته‌ای از زنان، چوب به دست به مردم می‌پیوندند. محور اعتراضات، ابتدا رژی است، اما بعداً آشکارا علیه انگلیس شعار داده می‌شود. مردم می‌گویند که انگلیس می‌خواهد ایران را در لوای تجارت مثل هند تسخیر کند. بیگلربیگی و کلانتر و داروغه مشهد نیروهای خود را برای مقابله با این عده روانه بالاخیابان می‌کنند. شعارهای ضد انگلیسی مردم شاعت وحشت شدید دانیال رئیس اداره رژی، معاون او و همچنین خانواده آن‌ها می‌شود به همین دلیل حاکم مشهد ابتدا آنان را به ارگ و سپس به منزل خود منتقل می‌کند. در ادامه مأموران حکومت موفق به متفرق کردن مردم می‌شوند، اما جمعیت در ادامه به حرم می‌رود که از تحصنشان جلوگیری می‌شود.

روز دوم ربیع‌الاول ۱۳۰۹، مردم مشهد در اعتراض به امتیازنامه رژی در مسجد گوهرشاد اجتماع می‌کنند، اما فتحعلی‌خان صاحب دیوان (حاکم مشهد) تنباکوفروشان را متقاعد می‌کند که دکان‌های خود را باز کنند.

به نقل از نوشته‌های «المبتون» ایران‌شناس بریتانیایی نیز که وقایع تحریر تنباکو را در مشهد شاهد بوده، شهر در این روزگار به‌شدت ناآرام بوده است. او نوشته «بیماری از فروشندگان تنباکو و دیگران در حرم بست نشستند و هیچان به سرعت گسترش یافت. مردم در خیابان‌ها جمع شدند و نمایندگان انگلیسی را تهدید کردند و علناً تصمیم خود را در پاسداری از دین اسلام اعلام داشتند … شاه تلگرافی به صاحب دیوان مخابره کرد که فروشندگان تنباکو را که در حرم جمع شده‌اند، متفرق شده و دستوراتی به شرح ذیل داد: اگر آنان فوری دنبال کارشان نروند و دست از این مزخرفات نکشند، باید تمام سواره نظام و پیاده‌نظام خراسان را همراه با سواران شجاع الدوله و زعفرانلو به مشهد فراخوانید و تمام شورشیان را بدون استثنا دستگیر کنید و صد نفر از آنان را به توپ بسته و پیدرشان را درآورید. تظاهر کنندگان، بدون نیاز به این اقدامات راکنده شدند.»

اگرچه جنبش مشهد به دلیل فقدان رهبری دینی قدرتمند و تهدید شاه‌وقت نمی‌تواند مانند شیراز، تبریز و اصفهان، قدرت بسیج مردم را افزایش دهد و فقط ۵ روز دوام می‌آورد، اما در نهایت به عقب‌نشینی ناصرالدین‌شاه منجر می‌شود تا پیشنهاد کند انتقال امتیاز، به مدت ۶ ماه در خراسان به تعویق افتد. ضمن اینکه همین اقدامات کمتر از دو ماه بعد سبب صدور فتوای تحریم تنباکودر اواخر ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ می‌شود و بار دیگر بر جایگاه حرم مطهر رضوی در میان مردم تأکید می‌کند. درواقع از این دوران به بعد است که نقش حرم مطهر به عنوان یک پایگاه مبارزه مردمی علیه استبداد و استکبار حکومتی پرنگ‌تر می‌شود.

موزه

کوتاه درباره نخستین

تمبر جهان که ۱۸۴ساله است

«پنی سیاه» در موزه آستان قدس رضوی

گروه تاریخ و هویت نخستین تمبر پستی جهان معروف به «پنی سیاه، را که در تاریخ ۶مه ۱۸۴۰میلادی در انگلستان منتشر شده است، می‌توان در بخش گنجینه تمبر، تاریخچه پستی و اسکناس آستان قدس رضوی دید. تصویر روی این تمبر، نیم‌رخ ملکه ویکتوریا را نشان می‌دهد که در پس‌زمینه‌ای مشکی چاپ شده است. واژه «پنی، روی این تمبر و رنگ سیاه آن موجب شد این تمبر به پنی سیاه Penny Black، مشهور شود. به‌دلیل ابداع اولین تمبر پستی جهان در انگلستان، تمبرهای این کشور تنها تمبرهایی هستند که نام کشور روی آن‌ها درج نشده است. تعداد قطعات منتشرشده تمبر «پنی سیاه» ۶۸ میلیون و ۸۰۸هزار عدد بوده

فتوحرم